

نقش مصاحبه‌کننده در گردآوری اطلاعات تاریخ شفاهی

دکتر ابوالحسن ضیا ظریفی^۱

وقتی که براساس اصول مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، برنامه خود را پیشنهاد کردند و موافقت مرا گرفتند، دستگاه ضبط صوت را روشن کردند و از سال و محل تولد، دوران کودکی و نوجوانی و زندگی فامیلی من سوال کردند و جواب شنیدند. روز اول، مصاحبه تقریباً دو ساعت به طول انجامید و چون کار نیمه تمام باقی ماند، مصاحبه به هفته بعد و بعدتر موکول شد. در جلسه پایانی، با همسر سرکار خانم دکتر توران زیرکراده^۳ نیز چند دقیقه‌ای مصاحبه به عمل آمد که مجموعاً بیش از چهار ساعت طول کشید و در پنج کاست ضبط شد. سازمان، آنها را به ضمیمه عکسهایی که عکاس سازمان گرفته بودند، برایم فرستادند که در حقیقت یادگاری از من برای فرزندان و نوه‌هایم می‌باشد. تاریخ شفاهی، یکی از مهم‌ترین راه‌های جمع‌آوری اطلاعات است و قرن‌ها، تنها منبع ضبط حوادث و اتفاقات گذشته و انتقال آن برای نسل‌های آینده بوده است. بخش اعظم تاریخ گذشته جهان، سرگذشت بزرگان علم و دانش یا سیاستمداران و حتی جنایتکاران معروف، از این راه جمع‌آوری شده است. بعد از تکمیل فناوریهای جدید و ضبط صدای مصاحبه شونده‌گان در ضبط صوت، چه به صورت کاست و یا CD یا تصویربرداری، مقوله تاریخ شفاهی به مرحله تازه‌ای رسیده است. به همین جهت می‌بینیم که در طی سی سال اخیر، در تمام جهان تدوین تاریخ شفاهی شتاب بیش‌تری یافته است. تاریخ‌نویسان حرفه‌ای، تاریخ‌نویسان فامیلی، روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و همچنین مسئولان آرشیوهای اسناد، از این راه به گنجینه‌های بزرگی دست یافته‌اند که بعدها باید در تدوین آنها اقدام کنند و یاد ر پایگاه‌های رایانه‌ای در دسترس عموم قرار دهند؛ کاری که امروزه اکثر دانشگاه‌های بزرگ جهان مانند هاروارد، کرنل و غیره انجام می‌دهند.

از چه کسانی مصاحبه به عمل می‌آید؟

افراد مختلف برحسب مشاغل و یا اتفاقاتی که برای آنها افتاده و یا خود، دست‌اندرکار در یک موضوع خاص تاریخی بوده‌اند، مورد مصاحبه قرار می‌گیرند.

تاریخ شفاهی کشور عزیز ما، فصلنامه گنجینه اسناد را به مخزنی از اطلاعات مفید و گرانبها تبدیل کرده است. قسمت اعظم مطالب منتشره در این فصلنامه، در اثر کوشش‌های بیدریغ کارشناسان اداره مصاحبه تاریخ شفاهی تهیه شده است و این کوشش‌ها و تکنیک‌های فنی مصاحبه‌کنندگان، با مصاحبه شونده‌گان ارتباطی ناگسستگی دارد. برای ارجح نهادن به این کوشش‌های صمیمانه، بر آن شدم که مقاله زیر را جهت اطلاع خوانندگان تقدیم بدارم. شکی نیست که کوشش سازمان اسناد ملی ایران در گردآوری این اطلاعات، می‌تواند منبع باارزشی برای تاریخنگاری کتبی آینده میهن ما باشد؛ همان کاری که غالب دانشگاه‌های بزرگ دنیا در بخش‌های تاریخ و علوم، از سالیان گذشته به آن پرداخته‌اند.

حقیقت این است، روزی که سرکار خانم رویا محمدلو^۲ برای انجام مصاحبه‌ای در تاریخ ۷۹/۸/۱۱ تلفن کردند، من با اکراه قراری با ایشان گذاشتم و فکر می‌کردم مانند بسیاری از مصاحبه‌های دیگر - که در سالهای اخیر، بخصوص بیش‌تر از طرف مجلات پزشکی و تخصصی با من انجام گرفته - چند دقیقه‌ای با ایشان صحبت خواهم کرد. ولی وقتی که ایشان برای انجام مصاحبه به آزمایشگاه من آمدند و نامه ریاست سازمان را درباره شرایط مصاحبه به من دادند، با بیان اهداف سازمان از این مصاحبه، مرا متوجه اهمیت موضوع کردند. برای فرار از دست ایشان، عرض کردم که من نه شخصیت سیاسی مهمی هستم که خاطراتم به درد نگهداری در آرشیو سازمان بخورد، و نه نویسنده رمانهای هیجان‌انگیز! ولی در کار تخصصی پزشکی و آزمایشگاهی خود، در سطح ملی و بین‌المللی کارهایی انجام داده‌ام و در طی چهل سال و بخصوص بیست و پنج سال بعد از انقلاب، بیش از بیست جلد کتاب علمی و در چند سال اخیر، سه جلد کتاب اجتماعی و سیاسی از من منتشر شده است.

استدلالم برای خانم مصاحبه‌کننده، قانع‌کننده نبود و ایشان آن چنان با محبت به ذکر اوصاف و فضائل - که نمی‌دانم از کجا جمع‌آوری کرده بودند - پرداخت که برآستی باورم شد که، من هم کسی هستم و باید خاطراتم در آرشیو سازمان اسناد باقی بماند تا آیندگان و بخصوص جوانان، از آن استفاده کنند.



جناب آقای دکتر ابوالحسن ضیاءرفی

می شود - غشای فیبرهای عضلانی را تحریک می کند و این تبادلات شیمیایی است که مسئله "حافظه" را مطرح می کند. اکلز، در کتاب جالب خود تحت عنوان "The Self And Its Brain" نوشته است: ما زندگی را از کودکی آغاز می کنیم؛ رشد می کنیم؛ جوان می شویم و سپس پیر می گردیم. مع الوصف، همواره خاطره دائمی برای ما وجود دارد. مصاحبه کننده، باید این خاطره را تحریک کند و حافظه مصاحبه شونده را به کار اندازد. البته بر حسب آنکه این حافظه مربوط به دوران بسیار گذشته یا زمان حال باشد، نحوه یادآوری و بازگفت خاطرات کمی فرق می کند. "حافظه ایزودیک ۸" یا "اتوبیوگرافیک ۹"، خاطره زمانها و مکانهای خاصی است. مصاحبه کننده، زوایای پنهان مغز را می کاود تا مصاحبه شونده، ناگفته ها را باز گو کند و او را به مرحله "حافظه ایدوتیک ۱۰" یا "فتوگرافیک ۱۱" برساند.

من به عنوان یک متخصص آزمایشگاه، می توانم بگویم که همه تحریکات عصبی و واکنشهای مغز آدمی، در حقیقت به مثابه آزمایشگاه کوچکی است که دائماً میلیونها سلول در آن واکنشها دخالت دارند. حالا اگر مصاحبه کننده انتظار دارد که خاطره ای از مصاحبه شونده بشنود که دستخوش فراموشی شده است، باید این هنر را داشته باشد که با روشهای خاص، خاطرات او را زنده کند. به قول یک نویسنده روانکاو،

در اینجا نقش مصاحبه کننده بسیار حائز اهمیت است و بر حسب آنکه موضوع مصاحبه درباره چه مسئله ای باشد، مصاحبه کننده، باید مقدمات امر را فراهم نماید. غالب مصاحبه شوندهگان چه قبل و چه هنگام مصاحبه، دچار نوعی اضطراب و استرس درونی می گردند و در این حالت، مصاحبه کننده باید کوشش کند که با ایجاد آرامش در طرف مقابل، اضطراب او را کاهش دهد تا بتواند پاسخهای بیش تر و صحیح تری برای سوالات خود به دست آورد.

مصاحبه کننده، باید محیطی به وجود آورد که مخاطب احساس آرامش کند. گاهی محیط مصاحبه به علت تاریکی بیش از حد، نور زیاد، سر و صدا و یا سرما و گرمای بیش از حد به انجام مصاحبه صحیح لطمه وارد می سازد. بنابراین نقش مصاحبه کننده، ایجاد محیطی مناسب برای کسب حداکثر اطلاعات می باشد. محیط مناسب حتی شامل نحوه نشستن دو طرف در مقابل هم، قرار دادن صندلیهای راحت، تعبیه دستگاه ضبط صوت و یا دستگاه تصویربرداری در محل مناسب نیز می باشد.

اگر افرادی مورد مصاحبه قرار می گیرند که احساس می شود اطلاعات فراوانی درباره حادثه ای تاریخی و یا جنایی دارند و یا شاهد ماجراهائی بوده اند که افکار عمومی مشتاق دانستن آنهاست، مصاحبه کننده باید روشهای خاصی را برای دریافت پاسخ مناسب به کار بندد و به مصاحبه شونده اطمینان بدهد که اگر پاسخهای او جنبه محرمانه دارد و یا ممکن است در دادگاهی به ضرر او مورد استفاده قرار گیرد، از ذکر آنها خودداری خواهد شد. گاهی مصاحبه کننده، احساس می کند که دانش او درباره موضوعی خاص بیش از اطلاعاتی است که مصاحبه شونده به او می دهد، در چنین حالتی مصاحبه کننده نباید طوری رفتار کند که او را در حالت انفعالی قرار دهد. یک مصاحبه کننده خوب، باید یک شنونده خوب و باحوصله باشد؛ گرچه در بسیاری موارد شنیدن مسائل تکراری، ممکن است خسته کننده باشد، ولی مصاحبه کننده می تواند با توجیه مطلب، مصاحبه شونده را وادار کند تا مطالب تکمیلی را درباره موضوع مورد بحث به خاطر بیاورد و آنها را بیان کند.

به خاطر آوردن یک مسئله، یعنی تحریک حافظه؛ حافظه، یکی از مسائل بسیار مهم در مصاحبه است. پرواضح است که حافظه، یکی از مختصات اساسی مغز انسان است و قدرت یادآوری اطلاعات بیش تر، به "پسیکولوژی ۴" و "نوروساینس ۵" بستگی دارد. آیا واقعاً حافظه در جای مشخصی از مغز قرار دارد و در آنجا انبار و متراکم می شود؟ و چگونه می توان حافظه را فراخوان کرد؟

در ساختار مغز آدمی، حافظه شفاهی در نیمکره چپ و حافظه فضائی یا نیمکره راست پیوند دارد. مغز آدمی - که توده ای در حدود ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ گرم است - با ده میلیارد یاخته عصبی و یکصد میلیارد یاخته کوچک، نقش فرماندهی را در بدن بازی می کند. "سرجون کریو اکلز ۶" که در سال ۱۹۶۳ برنده جایزه نوبل در پزشکی و فیزیولوژی شد، تحقیقات خود را درباره فعالیتها و مغز و نحوه رفتار اعصاب متمرکز کرده بود. وقتی یک سلول عصبی (نرون) با سلول عصبی دیگری تلاقی می کند، "سیناپس ۷" به وجود می آید. ابتدا تصور می شد که تحریکات عصبی، دارای خاصیت الکتریکی است؛ ولی اکلز و همکارانش، ثابت کردند که تحریکات عصبی، به وسیله تبادلات شیمیایی موادی به نام استیل کولین - که به مقدار کم ترشح

مصاحبه شونده را مرور کند. وقتی مصاحبه کننده با مخاطب خود صحبت می کند و ارتباط چشمی و صوتی برقرار می کند، درحقیقت دستگاه نرونی مغز او بر مخاطب و یا برعکس اثر می گذارد و هر کلمه ای از جانب دو طرف، موجب یک تغییر شیمیایی در مغز می شود.

مهم ترین نقش مصاحبه کننده، آن است که قبل از انجام مصاحبه، اطلاعات لازم را درباره فرد مصاحبه شونده جمع آوری کند و یا درباره حادثه ای که قصد انجام مصاحبه دارد، مطالعه کرده باشد. وقتی مصاحبه کننده از من درباره زندگی خانوادگی و عموهایم پرسید، درحقیقت مانند "فلش بک ۱۲" فیلمی، مرا به دوران کودکی برد و به یاد آوردم که مثلاً عموی مرحومم دکتر یحیی ظریفی - که مدتی طبیب اردوی میرزا کوچک خان در کسما بود - هر وقت به لاهیجان به منزل ما می آمد، یک بسته بادام سوخته به من می داد. به همین جهت، من در هر مجلسی که بادام سوخته بینم، بدون تردید به یاد عموی مرحومم می افتم و این هنری بود که سرکار خانم رویا محمدلو در مصاحبه چهار ساعته خود نشان داد.

نتیجه اینکه من پس از آن مصاحبه، مصمم شدم تمام خاطرات زندگی خود را دوران کودکی، جوانی، تحصیل در داخل و خارج، مسافرت های متعدد به عنوان کارشناس بهداشت جهانی یا شرکت در کنگره های علمی و... بنگارم. من و همسر، از این بابت مدیون سازمان اسناد و کتابخانه ملی و سرکار خانم رویا محمدلو هستیم که چنین موقعیتی را برای بنده فراهم کردند که به نوشتن این کتاب اقدام کنم و از این نظر، حقیقتاً سپاسگزار هستم. به قول سعدی:

مرد خردمند هنرپیشه را

عمر، دو بایست در این روزگار

تا به یکی تجربه آموختن

با دگری تجربه بردن به کار



سرکار خانم دکتر توران زیرک زاده

مصاحبه کننده مانند فرد متخصصی است که جعبه سیاه هواپیمای ساقط شده ای را پیدا کرده و به آنالیز داده های آن می پردازد تا علت حقیقی سقوط یا سانحه را پیدا کند. این جعبه سیاه مغز، به افرادی متخصص، مانند خانم رویا محمدلو نیاز دارد تا حافظه ها را تجدید کند.

وقتی که مصاحبه گر محترم با من صحبت می کرد، وضعی به وجود آورد که همه نکات کوچک و بزرگ زندگیم در مقابل دیدگانم قرار گرفت و درحقیقت، حافظه فتوگرافیک من بسیار فعال شد. مصاحبه کننده، باید کوشش کند که بتواند حداکثر پاسخهای خود را از مصاحبه شونده دریافت کند. درحقیقت نقش اساسی مصاحبه کننده، آن است که وضعی به وجود آورد که مصاحبه شونده، حقیقت را درباره موضوع و هدف او بیان کند. مصاحبه کننده، باید تمام حواس خود را برای انجام مصاحبه متمرکز کند و در تمام مدت مصاحبه حضور ذهن داشته باشد.

گاهی مصاحبه کننده، ناخودآگاه انگیزه هایی در مصاحبه شونده ایجاد می کند که او را به انجام واکنشهایی سوق می دهد. همان طور که یک جراح متخصص اعصاب، می تواند با تحریک به وسیله الکترودها، لایه های کورتکسهای معینی را در مغز بدرستی مشخص کند، مصاحبه کننده هم با تحریک مغزی، می تواند تمام یا قسمت زیادی از بایگانی موجود

پی نوشتها:

- ۱- فوق دکترای میکروباکتریولوژی از انگلستان.
- ۲- کارشناس برنامه ریزی و بررسی اسناد.
- ۳- دکترای متخصص علوم آزمایشگاهی از دانشگاه تهران.

- ۴ Psychology
- ۵ Neuroscience
- ۶ Sir John Carew Eccles
- ۷ Synapse
- ۸ Episodic Memory
- ۹ Autobiographic
- ۱۰ Eidotic Memory
- ۱۱ Photographic
- ۱۲ Flashback

منابع:

- 1- Hooper And Dikterme: The Three Pound Universe
مترجم دکتر ابراهیم یزدی، جهان شگفت انگیز مغز، انتشارات قلم، چاپ اول ۱۳۷۲.
- ۲- ضیا ظریفی، ابوالحسن، برندگان جایزه نوبل در پزشکی و فیزیولوژی
۱۹۹۷-۱۹۰۱، فرهنگستان علوم پزشکی ایران، تهران ۱۳۷۷.
- 3- AKRI: Memory From Wikipedia, The Free Encyclopedia 2005-06-06.
- 4- AKRI: Interviewing a Knowledge Based Approach 2005-06-06.